



حجت‌الاسلام مهاجرنیا تبیین کرد:

سه نظریه فقهی در باب انتخابات در نظام اسلامی

📅 خرداد ۲۴، ۱۴۰۰ 📍 آخرین اخبار، حکومت و قانون، دیدگاه و گزارش

استاد حوزه و دانشگاه گفت: در طول چهار دهه گذشته، فلسفه انتخابات در نظام اسلامی بر اساس سه نظریه دینی درچالش اساسی نخبگان و به تبع آنها توده مردم در چهار دهه گذشته در باب انتخابات در جمهوری اسلام به گزارش **شبکه اجتهاد**، حجت‌الاسلام والمسلمین محسن مهاجرنیا در نوزدهمین نشست «بنیادها و آرمان‌های انقلاب آزاداندیشی که توسط دانشگاه طلوع مهر و مجمع هماهنگی پیروان امام و رهبری در قم به صورت مجازی برگزار م انتخابات در نظام اسلامی بر اساس سه نظریه فقهی رایج شکل گرفته است. این سه دیدگاه هم مبنای گفتگوهای آشکار و اقلیت بوده و بر روند فکری و عملی انتخابات، تأثیر گذاشته است. این سه منظر پایه عقلانیت دینی درچالش اساس گذشته در باب انتخابات در جمهوری اسلامی بوده است.

او در تشریح نظریه نخست گفت: این منظر که با عنوان «انتخاب ولایت» قابل نام گذاری است، معتقد است: حاکمیت انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است؛ بنابراین اصل نظام ولایی از صدر تا ذیلش منتخب ملت است حق و هم تکلیف است. مهم ترین ره آورد انقلاب اسلامی همین «قدرت انتخاب» بود. ملت ایران در نظام استبداد اصل نظام اسلامی و ولایت فقیه انتخاب شد و در مرحله نظام سازی هم ولایت و حکومت به عنوان منتخب ملت در قاع ولایی قرار گرفت. امام راحل(ره) در نامه تاریخی بازنگری قانون اساسی به آیت‌الله مشکینی ریاست آن مجلس نوشتند: ^

برای رهبری حکومتشان تعیین کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهراً او مورد قبول می‌شود و حکمش نافذ است.» بر اساس این دیدگاه تمام ارکان و قوای نظام ولایی از باب «توکیل» توسط مردم انتخاب شاخصه مردم سالاری دینی، موضوعیت دارد.

استاد حوزه و دانشگاه در ادامه این نشست به دیدگاه دوم اشاره کرد و گفت: به مرور زمان یک نظریه‌ای شکل گرفت می‌شود. این دیدگاه معتقد است انتخابات موضوعیت ندارد بلکه برای کشف ولایت طریقت دارد. پایه این دیدگاه آن عصر (عج) با انتصاب الهی است و مردم حقی در این انتصاب ندارند. مردم موظف هستند ولی فقیه را «کشف» کنند و قانون اساسی مطرح شده است «طریق» انکشاف است. قوای مملکتی که به صلاحدید ولی فقیه پذیرفته شده اند، «انتخابات» جمهوری هم چون مشروعیتش را از ولی فقیه می‌گیرد اطاعتش لازم است. مردم باید تلاش کنند «اصلح» را کشف کنند پاسخگو بودن و وکالت از مردم و عزل ریاست جمهوری تنها صلاحدید ولی فقیه است. بر اساس این نظریه نمایندگان شأن آنها پایین تر از ولی فقیه است. آنها حسب صلاحدید ولی فقیه، موظف هستند طبق شرایط مصرح در قانون اساسی کشف و به مردم معرفی کنند؛ بنابراین پدیده «انتخابات» از این منظر، نوعی مصلحت سنجی برای کشف ولایت است مبسوط الید شدن ولی فقیه می‌شود.

او در ادامه به تبیین فلسفه سیاسی دیدگاه کشفی پرداخت و گفت: فلسفه سیاسی در دیدگاه کشفی، بر اساس حاکمیت مردم هم به عنوان «مولى عليهم» مطرح هستند که فلسفه حکومت و ولایت برای هدایت و سعادت آنها جعل شده است الهی در راستای بیعت با ولایت است که شرط تحقق آن می‌شود. بر اساس این منظر انتخاب مردم به عنوان «کاشف» و مقوله انتخابات در جمهوری اسلامی مهم است و اصالت دارد امر «منکشف» است و کاشف فقط «طریقت» برای کشف

مهاجرنیا در تبیین نظریه سوم به مقوله انتخابات در جمهوری اسلامی گفت: سومین منظر با عنوان «توکیل ولایت» ش عطیه الهی برای تعیین سرنوشت جامعه است؛ زیرا سرنوشت عمومی همانند «ملک مشاعی» است که سهامدار آن تک تک «سهام» خود رأی می‌دهند. هم ولی فقیه و نظام ولایی را انتخاب می‌کنند و هم ارکان و قوای مملکت را بر می‌گزینند و است، وکالت می‌دهند تا امور دلخواه ملت را تدبیر کنند. بر اساس این دیدگاه اصل انتخابات موضوعیت دارد.

او در پایان با اشاره به این سه نظریه که سبب ایجاد سه نوع «فلسفه سیاسی» در مقوله انتخابات در نظام اسلامی شده فقیه و حکومت اسلامی از ابتدای جعل آن توسط خداوند بر اساس رعایت مصالح و مفاصد انسان‌ها و سعادت و هدایت دینی، دو رکن برخورداری از شرایط دینی به نام «مشروعیت» و رضایت مردم به نام «مقبولیت» را در نظر گرفته است ادامه ولایت امامان معصوم (ع) و ولایت رسول الله (ص) منصوب کرده است. به طوری که هر کدام از این دو رکن بنا مقبولیت، استبدادی است و حکومت مقبول بدون مشروعیت هم سکولاری است. بر اساس دو منظر نخست اصل ولایت این تفاوت که دیدگاه کشفی معتقد است، مشروعیت الهی به طور کامل به ولایت تعلق گرفته و ولی فقیه در مقام می‌شود؛ اما طبق دیدگاه نخست، مشروعیت ولایت در مقام ثبوت منوط به انتخاب مردم است. حکم انتصاب زمانی به به آن ضمیمه شود. همانند وجوب نماز جمعه است که با جمع شدن دو رکن «امام جمعه» واجد شرایط و «حضور حداق (ص) هم باشد بدون مأوم نمی‌تواند نماز جمعه اقامه کند و میلیون‌ها مأوم بدون امام جمعه هم نمی‌توانند نماز جمعه ولایت مشروعی که در فقه مطرح شده است از باب تمهید و ارشاد به حکم عقل است که مردم بر اساس عقلشان حاکمان بدهند تا سرنوشت مشترک جامعه را مدیریت کنند و هیچگونه ولایتی بر مردم ندارند.

منبع: شفقنا

